فهرست مطالب

بخش اول: قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۰۵/۲۵ ..... ۱۷
فصل اول- تعاریف ۱۸
فصل دوم- حفاظت و بهره برداری ۲۳
فصل سوم- عوارض ۵۳
فصل چهارم- سازمان و مقررات مالی ۶۴
فصل پنجم - تبدیل و واگذاری ۸۱
فصل هفتم- مقررات مختلفه ۱۸۰
بخش دوم: قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۰۶/۲۲ ..... ۲۲۵
بخش سوم: قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۰۷/۰۵ ..... ۲۳۳
بخش چهارم: قانون حمایت قضایی و بیمه ای از مأموران یگان حفاظت محیط زیست و جنگل بانی مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ ..... ۲۴۵
بخش پنجم: قانون گسترش کشاورزی در قطبهای کشاورزی مصوب ۱۳۵۴/۰۳/۰۵ ..... ۲۶۱
بخش ششم: قانون نحوه انتقال اراضی واگذاری به زارعین مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۵۱/۰۹/۲۱ ..... ۳۲۱
بخش هفتم: قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۳۹ ..... ۳۲۷
فصل اول- تعاریف ۳۲۸
فصل دوم- حدود مالکیت ۳۴۷
فصل سوم- اراضی قابل تقسیم ومقررات مربوط به آن ۳۹۵
فصل چهارم- ارزیابی و پرداخت بها ۴۲۶
فصل پنجم- مقررات مربوط به تقسیم و تحویل اراضی ۴۶۱

فصل ششم- مقررات مربوط به اراضی تقسیم شده..... ۴۷۲
فصل هفتم- روابط زارع و مالک..... ۴۷۹
فصل هشتم- مقررات مالی..... ۴۹۴
فصل نهم- مقررات مربوط به کمکهای فنی و حمایت کشاورزان و زارعین..... ۵۰۲
بخش هشتم: قانون فروش خالصجات مصوب ۱۳۳۴/۰۸/۳۰..... ۵۱۹
بخش نهم: قانون انحلال بنگاه خالصجات مصوب ۱۳۴۶/۰۴/۲۰..... ۵۲۷
بخش دهم: قانون تعیین تکلیف اراضی مزروعی و اعیان مستحدث از طرف اشخاص در دهات و مزارع خالصه مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۲۹..... ۵۵۷
بخش یازدهم: قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴/۰۳/۱۳..... ۵۸۱
بخش دوازدهم: لایحه قانونی مجازات اخلال در امر کشاورزی و دامداری مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۱۹..... ۶۲۳

بخش اول:

قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع

مصوب ۱۳٤٦/۰۵/۲۵

فصل اول- تعاریف

ماده ۱- تعریف اصطلاحاتی که در قوانین جنگل و مرتع به کار رفته به شرح زیر است:

۱- «جنگل یا مرتع یا بیشه طبیعی»: عبارت از جنگل یا مرتع یا بیشه‌ای است که به‌وسیله اشخاص ایجاد نشده باشد.

۲- «بوته جنگلی»: رستنیهای خودروی خشبی است که ساقه آنها بطور طبیعی کمی بالاتر از سطح خاک منشعب شده باشد و نوعاً در جنگلها یا اراضی جنگلی یا بیشه‌ها میروید.

۳- «بوته کویری»: کلیه نباتات خودروی چند ساله بجز درخت که در کویر و بیابان میروید «بوته کویری» نامیده می‌شود.

۴- «کنده»: آن قسمت از تنه درخت که پس از قطع یا شکسته شدن یا سوختن در زمین باقی بماند «کنده» نامیده می‌شود.

۵- «نهال»: درخت جوانی است که دارای ساقه مشخصی بوده و قطر بن آن کمتر از پنج سانتیمتر و در مورد شمشاد قطربن کمتر از سه سانتیمتر باشد.

۶- اراضی جنگلی:

الف- زمین‌هایی که در آنها آثار و شواهد وجود جنگل از قبیل نهال یا پاجوش یا بوته یا کنده درختان جنگلی وجود داشته باشد مشروط بر آنکه در تاریخ ملی شدن جنگلها ۱۳۴۱/۱۰/۲۷ تحت کشت یا آیش نبوده و تعداد کنده در هکتار از بیست و یا تعداد نهال یا بوته جنگلی در هر هکتار جداگانه یا مجموعاً از یکصد عدد و یا مجموع تعداد نهال و بوته و کنده در هر هکتار از یکصد عدد متجاوز باشد.

ب- زمین‌هایی که در آنها درختان خودروی جنگلی بطور پراکنده وجود داشته باشد و حجم درختان موجود در شمال از حوزه آستارا تا حوزه گلیداغی در هر هکتار کمتر از پنجاه مترمکعب و در سایر مناطق ایران کمتر از بیست مترمکعب باشد مشروط بر آنکه در تاریخ ملی شدن جنگلها تحت کشت یا آیش نبوده باشد.

تبصره- اگر در اراضی بند ب درختان شمشاد وجود داشته باشد و حجم آنها بیش از سی مترمکعب در هکتار باشد این قبیل اراضی مشمول اراضی جنگل نبوده و جنگل شمشاد محسوب میگردد.

۷- «مراتع» اعم است از مشجر و غیرمشجر.

۸- «مرتع مشجر»: اگر مرتع دارای درختان جنگلی خودرو باشد مرتع مشجر نامیده می‌شود مشروط بر آنکه حجم درختان موجود در هکتار در شمال از حوزه آستارا تا حوزه گلیداغی بیش از پنجاه مترمکعب و در سایر مناطق ایران بیش از بیست مترمکعب باشد.

۹- «مرتع غیرمشجر»: زمینی است اعم از کوه و دامنه یا زمین مسطح که در فصل چرا دارای پوششی از نباتات علوفه ای خودرو بوده و با توجه بسابقه چرا عرفاً مرتع شناخته شود.

اراضی که آیش زراعتند ولو آنکه دارای پوشش نباتات علوفه‌ای خودرو باشند مشمول تعریف مرتع نیستند.

تبصره- آن قسمت از اراضی ماسه ای ساحلی دریا تا حدود سیصد متر از حریم دریا مشروط بر آنکه از جاده ساحلی تجاوز نکند ولو آنکه واجد شرایط فوق باشد مشمول تعریف اراضی جنگلی و مرتع (مشجر و غیرمشجر) نخواهد بود.

۱۰- «توده جنگلی»: قطعات مجزائی از جنگل یا مرتع مشجری است که وسعت سطح آن کمتر از ده هکتار و حجم درختان جنگلی موجود بیش از سیصد مترمکعب در هکتار باشد.

۱۱- «باغ»: در مناطق جنگلی باغ محلی اطلاق می‌شود که دارای شرایط زیر باشد:

الف- حدود آن بنحوی از انحاء مشخص و معین شده باشد.

ب- حجم درختان جنگلی خودروی آن از پنجاه مترمکعب در هکتار تجاوز نکند.

پ- حداقل در هر هکتار آن یکصد عدد درخت با رده یا مجموعاً دویست عدد درخت بارده و جوان دست کاشت میوه‌ای و یا یکهزار بوته چای وجود داشته باشد.

ت- حداقل نه دهم سطح آن از کنده و ریشه درختان جنگلی پاک شده باشد.

۱۲- «طرح جنگلداری»: طرحی است که در آن مقدار و محل و موقع برداشت و مدت اجراء و نحوه بهره برداری و عملیات احیائی و عمرانی که در داخل جنگل یا جنگلهای مربوط باید بعمل آید درج شده و بتصویب سازمان جنگلبانی ایران رسیده باشد.

۱۳- «مصارف روستایی»: عبارت از مصارف چوبی و سوختنی است که مورد نیاز فردی یا دسته جمعی ساکنین دهکده‌های مجاور جنگل و جنگل نشینان باشد از قبیل مصارف ساختمانهای مسکونی- مساجد- درمانگاهها- مدارس- انبار- اسطبل- سدهای چوبی- پل- آبدنگ- پادنگ- تلمبار- پایه برای محصور کردن مزارع و باغات و محوطه‌ها و امثال آنها.

۱۴- «دهکده مجاور»: جنگل دهکده‌ای است که اراضی آن حداقل از یک طرف به جنگل متصل باشد.

۱۵- «گرده بینه یا گردبینه»: قسمتی از تنه درخت است که تقریباً استوانه‌ای شکل بوده و از آن انواع چوب یا روکش تهیه می‌شود.

۱۶- «استر» (Stere): مقدار هیزمی است که یک مترمکعب فضا را اشغال نماید و هر استر معادل شش دهم مترمکعب چوب محسوب می‌شود.

۱۷- «درختان جنگلی ایران» از نظر اجرای این قانون به شرح زیر دسته بندی می‌شود:

دسته اول- زربین- ارس- شمشاد- سرخدار- گردو- آزاد.

دسته دوم- راش- بلوط- زبان گنجشک- ملچ- افرا- شیردار- الوکک- توسکا- نمدار.

دسته سوم- اوجا- سفیدپلت- کلهو- ممرز و سایر گونه ها.

۱۸- «مناطق جنگلی»: مناطقی است که در آنها جنگل یا بیشه یا اراضی جنگلی یا بوته زارهای جنگلی طبیعی بطور انبوه یا پراکنده وجود داشته باشد.

۱۹- «شاخه قطور»: شاخه ای است که قطر آن در محل انشعاب بیش از پنج سانتیمتر باشد.

۲۰- «ضریب-بهره مالکانه»: میزان درصدی از بهای متوسط عمده فروشی سالیانه یک مترمکعب چوب الواری به ابعاد مختلف در بازار تهران ضریب بهره مالکانه یک مترمکعب درخت از همان جنس است.

۲۱ (الحاقی ۱۳۴۸/۰۱/۲۰)- «طرح مرتع‌داری»: عبارت از طرحی است که بمنظور بهره‌برداری از مرتع مورد تصویب وزارت منابع طبیعی واقع شود.

۲۲ (الحاقی ۱۳۴۸/۰۱/۲۰)- «واحد دامی»: عبارت از یک رأس گوسفند است. بز و سایر دامها هر کدام معادل چهار واحد دامی محسوب می‌شود.

۲۳ (الحاقی ۱۳۴۸/۰۱/۲۰)- «ظرفیت چرا»: عبارت از تعداد واحد دامی است که طبق برآورد وزارت منابع طبیعی در یک فصل چرا در یک هکتار مرتع موضوع پروانه چرا یا طرح مرتع‌داری می‌تواند چرا نماید.

■ **۱**- اصطلاح «جنگل یا مرتع یا بیشه طبیعی» در بند نخست این ماده به‌منزله عناصری معرفی شده‌اند که منشأ شکل‌گیری آنها انسانی نیست. تعبیر «به‌وسیله اشخاص ایجاد نشده باشد» نشان‌دهنده تمایز بنیادین میان منابع طبیعی اصیل و منابع ایجادشده توسط انسان است، که از حیث حقوقی به نوعی تفکیک میان اراضی موضوع حفاظت و اراضی موضوع تصرف و بهره‌برداری دلالت دارد. چنین تمایزی ریشه در فلسفه مالکیت در نظام حقوقی دارد که بر اساس آن، آنچه طبیعت بدون دخالت انسان پدید آورده، شایسته حمایت عمومی و مشمول مالکیت عمومی و یا حداقل نظارت حاکمیتی است.

■ **۲**- «بوته جنگلی» به‌مثابه یکی از مصادیق رستنی‌های خودرو، تمایز مشخصی میان رشد طبیعی و دخالت‌نایافته گیاه و سایر گونه‌های کشت‌شده ایجاد می‌کند. در اینجا «ساقه آنها بطور طبیعی کمی بالاتر از سطح خاک منشعب شده باشد» نه‌تنها ناظر بر شکل گیاهی بلکه واجد اثر حقوقی در تمایز با درختان است، چراکه در نظام حقوقی منابع طبیعی، ملاک‌هایی چون ارتفاع، منشأ رشد و محل رویش، واجد آثار حقوقی در تعیین مالکیت، مجوز برداشت و ارزیابی منابع به‌شمار می‌آیند.

■ **۳**- «بوته کویری» به‌عنوان گونه‌ای دیگر از رستنی‌های خودرو، در اقلیم بیابانی ایران، ضمن اینکه منبع علوفه‌ای بالقوه محسوب می‌شود، در سیاست‌های حفظ زیست‌بوم نیز نقش دارد. اصطلاح «نباتات خودروی چند ساله بجز درخت» از نظر فلسفه قانون‌گذاری، محدودسازی تعریف به‌منظور تسهیل در سیاست‌گذاری بهره‌برداری و حفاظت است. به‌عبارت دیگر، این تعریف نه صرفاً توصیفی، بلکه ابزار تنظیم حقوق بهره‌برداری و حفاظت در اراضی کویری تلقی می‌شود.

■ **۴**- در تعریف «کنده» که به‌ظاهر امری فنی است، قانون‌گذار با تأکید بر بقا و اتصال ریشه‌ای، درصدد حفظ امکان احیای منبع طبیعی حتی پس از قطع است. «در زمین باقی بماند» نشانگر تداوم پیوند آن با زمین است که در دعاوی حقوقی مالکیت، امکان بازگشت منبع به چرخه احیا یا مطالبه حقوقی آن توسط دولت یا اشخاص ذی‌نفع را ایجاد می‌کند.

■ **۵**- «نهال» در این ماده با معیارهایی کمی و کیفی تعریف شده است. شرط داشتن «ساقه مشخص» و

تعیین «قطر بن» از حیث حقوقی، ناظر بر قابلیت تمایز حقوقی نهال از درخت است. در حقوق منابع طبیعی، این تمایز برای تعیین مجوز قطع، تعهدات احیایی و امکان بهره‌برداری بسیار حائز اهمیت است. استثنای گونه «شمشاد» به‌دلیل اهمیت بوم‌شناختی و حفاظتی آن، نشانگر دخالت ملاحظات اکولوژیک در تدوین قواعد حقوقی است.

■ **۶**- «اراضی جنگلی» در بند ۶ از منظر توصیفی و حقوقی، واجد اهمیت بنیادینی است. در جزء «الف»، وجود «آثار و شواهد» به‌مثابه قرائن خارجی برای اثبات جنگلی بودن زمین، انعکاس‌دهنده ترجیح فلسفی قانون‌گذار بر واقعیت عینی به‌جای سند مالکیت رسمی است. همچنین قید «در تاریخ ملی شدن جنگلها... تحت کشت یا آیش نبوده» دلالت بر مرجع زمانی برای تشخیص جنگلی بودن زمین دارد که اثر مهمی در تثبیت یا نفی حقوق مالکانه اشخاص دارد. شرط «تعداد کنده در هکتار... از بیست و... نهال یا بوته جنگلی... از یکصد عدد» تلاش در وضع معیارهای فنی در خدمت تشخیص حقوقی ماهیت زمین دارد.

■ **۷**- جزء «ب» نیز معیار «حجم درختان موجود» را بر اساس منطقه جغرافیایی در شمال و سایر مناطق کشور متفاوت قرار داده که نوعی عدالت توزیعی در بهره‌برداری و حفاظت تلقی می‌شود. این تفاوت مبنای فلسفه محیط‌زیستی داشته و به‌گونه‌ای منطبق با ظرفیت زیستی مناطق مختلف کشور است. قید «در تاریخ ملی شدن جنگلها تحت کشت یا آیش نبوده» مجدداً تأکید بر مرجع زمانی و وضعیت سابقه عرفی و طبیعی زمین دارد.

■ **۸**- قانونگذار با استثنا کردن اراضی دارای «شمشاد» با حجم خاص، نوعی دسته‌بندی حقوقی خاص برای شمشاد ارائه می‌دهد. این استثناء بیانگر دیدگاه ارزش‌مدارانه قانون‌گذار نسبت به گونه‌هایی با اهمیت خاص اکولوژیک و حفاظتی است و تلاشی برای تمایزگذاری دقیق در اعمال سیاست‌های بهره‌برداری و حفاظت.

■ **۹**- بند ۷ با طرح تعریف «مراتع»، با افزودن قید «اعم از مشجر و غیرمشجر»، زمینه تقسیم‌بندی مراتع بر اساس ساختار گیاهی را فراهم کرده است. این تقسیم‌بندی مقدمه‌ای برای سیاست‌گذاری متفاوت در مورد هر نوع مرتع است.

■ **۱۰**- «مرتع مشجر» در بند ۸ با تأکید بر «درختان جنگلی خودرو» و حجم درختان در واحد سطح، تلاش در تعیین یک حد مرزی فنی برای تفاوت‌گذاری با جنگل و مرتع غیرمشجر دارد. این حد فنی، ابزار تعیین تکلیف در دعاوی حقوقی و صدور پروانه‌های بهره‌برداری تلقی می‌شود.

■ **۱۱**- «مرتع غیرمشجر» در بند ۹ به پوشش گیاهی غیرچوبی و علوفه‌ای خودرو اشاره دارد و قید «با توجه به سابقه چرا عرفاً مرتع شناخته شود» اهمیت حقوق عرفی و واقعیت‌های عرفی را در سیاست‌گذاری حقوقی نشان می‌دهد. استثنای «اراضی که آیش زراعتند» از شمول مرتع، بیانگر ترجیح سیاست‌های کشاورزی بر مراتع در شرایط خاص است و مبنایی برای تعارضات بالقوه در استفاده از زمین.

■ **۱۲**- تبصره پایانی با استثنا کردن «اراضی ماسه ای ساحلی دریا» از شمول اراضی جنگلی و مرتعی، به دغدغه‌های حاکمیتی در مدیریت سواحل و تمایزگذاری مالکیتی و بهره‌برداری ناظر دارد. قید

«مشروط بر آنکه از جاده ساحلی تجاوز نکند» دلالت بر مرزگذاری‌های فیزیکی و حقوقی دقیق دارد که در حل اختلافات بسیار مهم است.

■ **۱۳**- «توده جنگلی» در بند ۱۰ با تعیین حداقلی برای وسعت و حداکثری برای حجم، زمینه تمایز حقوقی میان واحدهای کوچکتر و جنگل‌های گسترده را فراهم کرده که در تدوین طرح‌های مدیریت جنگل، اهمیت بسزایی دارد.

■ **۱۴**- «باغ» در بند ۱۱ تعریفی استثنایی از کاربری زمین در مناطق جنگلی به‌دست می‌دهد که با معیارهایی همچون تعیین مرز، تراکم درختان میوه، پاکسازی از «کنده و ریشه»، تلاش در ایجاد تمایز حقوقی میان منابع طبیعی و اراضی کشاورزی و باغی دارد. این تعریف، مبنای مهمی در دعاوی تملک، صدور سند و اجازه بهره‌برداری دارد.

■ **۱۵**- «طرح جنگلداری» در بند ۱۲، سند برنامه‌ریزی شده‌ای برای بهره‌برداری عقلانی از منابع جنگلی است که عناصر آن نظیر «مقدار و محل و موقع برداشت»، «نحوه عملیات احیایی»، ابزار اعمال حاکمیت قانونمند بر جنگل‌هاست. تصویب آن توسط «سازمان جنگلبانی ایران» نمایانگر تمرکز اقتدار فنی و حقوقی در یک نهاد تخصصی است.

■ **۱۶**- «مصارف روستائی» در بند ۱۳ نشان می‌دهد که قانون‌گذار به‌دنبال توازن میان حفاظت و تأمین نیازهای اولیه جوامع محلی است. این بند با ذکر مصادیق کاربردی، به نوعی به عرف و نیازهای سنتی احترام گذاشته و موازنه میان توسعه و حفاظت را تأمین می‌کند.

■ **۱۷**- بند ۱۴ با تعریف «دهکده مجاور جنگل» از منظر مجاورت فیزیکی، معیار قانونی تعیین صلاحیت برای بهره‌برداری از منابع جنگلی را تعیین می‌کند. این مجاورت در دعاوی مرتبط با حقوق عرفی بهره‌برداری بسیار کارآمد است.

■ **۱۸**- بند ۱۵، «گرده بینه»، با توصیف فنی و صنعتی آن، مبنای تعیین ارزش اقتصادی و حقوقی چوب در بازار و پایه محاسبه بهای بهره‌برداری قانونی را فراهم می‌آورد.

■ **۱۹**- بند ۱۶ با تعریف «استر (Stere)» به‌عنوان واحد اندازه‌گیری حجم هیزم، تلاش دارد یکاهای سنتی و فنی را در چارچوبی استانداردسازی‌شده در مقررات قانونی وارد نماید. این یکپارچه‌سازی در نظام تعیین تعرفه‌ها، جرایم و بهره‌برداری اهمیت دارد.

■ **۲۰**- بند ۱۷ با دسته‌بندی «درختان جنگلی ایران» به سه گروه، راهبردی برای سیاست‌گذاری حفاظتی ارائه می‌دهد. تقسیم درختان به «دسته اول» تا «سوم» از منظر اقتصادی، اکولوژیکی و کمیابی، امکان اعمال مقررات خاص حفاظتی، مجازاتها، یا معافیت‌ها را فراهم می‌سازد.

■ **۲۱**- «مناطق جنگلی» در بند ۱۸ به نواحی‌ای اشاره دارد که ترکیبی از پوشش‌های جنگلی وجود دارد و این شمول‌گرایی، انعطاف حقوقی لازم برای تشخیص و اعمال مقررات در عرصه‌های مختلط را مهیا می‌سازد.

■ **۲۲**- بند ۱۹ با تعریف «شاخه قطور» معیار فنی برای تعیین حدود مجاز قطع، بهره‌برداری یا الزام به مجوز را فراهم می‌کند. تعیین قطر به‌عنوان معیار عینی، مانع از تفاسیر سلیقه‌ای مأمورین اجرایی می‌شود.

■ **۲۳**- بند ۲۰ با تعریف «ضریب- بهره مالکانه» از مفهوم حقوقی بهره‌برداری از منابع ملی توسط

اشخاص سخن می‌گوید. تعیین بهره بر اساس درصدی از قیمت بازار، بازتاب اندیشه عدالت توزیعی و سود عادلانه میان دولت و بهره‌بردار است.

■ **۲۴**- بند ۲۱ (الحاقی) با تعریف «طرح مرتع‌داری» به‌عنوان سندی رسمی، تأکید بر برنامه‌ریزی و نظارت قانونی بر بهره‌برداری از مرتع دارد و اجرای آن را منوط به تصویب نهاد تخصصی کرده تا از بهره‌برداری بی‌رویه جلوگیری شود.

■ **۲۵**- بند ۲۲ (الحاقی) با تعریف «واحد دامی» به‌مثابه معیار شمارش و محاسبه بار چرا، زمینه استانداردسازی برای سنجش فشار دام بر مرتع را فراهم کرده است.

■ **۲۶**- بند ۲۳ (الحاقی) با معرفی «ظرفیت چرا» به‌عنوان حاصل برآورد وزارت منابع طبیعی، مشروعیت حقوقی بهره‌برداری را مشروط به سنجش علمی و فنی می‌سازد. این بند به‌روشنی مصداقی از تلفیق داده‌های علمی در سیاست‌گذاری حقوقی منابع طبیعی است.

■ **۲۷**- تبصره ۲ ماده ۲ قانون اراضی مستحدث و ساحلی مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۲۹:

تبصره بند ۹ ماده ۱ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، منحصراً مربوط به دریای خزر بوده و کماکان قابل اجرا است.

فصل دوم- حفاظت و بهره برداری

ماده ۲- حفظ و احیاء و اصلاح و توسعه و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی ملی شده متعلق بدولت بعهده سازمان جنگلبانی ایران است.

تبصره (الحاقی ۱۳۸۴/۰۲/۲۱)- جنگلهای دست کاشت و یا جنگلها و مراتعی که در اجرای وظیفه احیاء و توسعه منابع طبیعی از قبیل طرحهای جنگلداری، مرتع‌داری، بیابان زدایی، طرحهای مدیریت منابع طبیعی و یا طرحهائی که با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی برای توسعه منابع جدید ایجاد می‌شوند و همچنین پارکهای جنگلی و خزانه‌های تولید نهال و بذر جنگلی و مرتعی (نهالستانهای عمومی، ایستگاههای تولید بذر و نهال) در محدوده منابع طبیعی یاد شده در حکم منابع مذکور در این ماده می‌باشد.

■ **۲۸**- در صدر ماده دوم، واژگان «حفظ»، «احیاء»، «اصلاح»، «توسعه» و «بهره‌برداری» به‌مثابه مراحل گوناگون حیات حقوقی و طبیعی منابع ملی چون «جنگل‌ها»، «مراتع»، «بیشه‌های طبیعی» و «اراضی جنگلی ملی‌شده» آمده‌اند. ترتیب این افعال، از حیث فلسفه حقوقی، واجد اهمیت است، چراکه حکایت از یک سلسله‌مراتب مفهومی دارد؛ بدین معنا که «حفظ» دلالت بر منع تخریب و ضمانت بقای وضع موجود دارد، حال‌آن‌که «احیاء» بیانگر بازگرداندن منابع آسیب‌دیده به چرخه طبیعی‌شان است و «اصلاح» به ارتقاء وضعیت موجود برای کارایی بهتر اشاره دارد. «توسعه» واجد مفهومی پیش‌برنده است که بر گسترش و افزایش ظرفیت منابع دلالت دارد، و نهایتاً «بهره‌برداری» دلالت بر استفاده عقلانی و حقوقی از این منابع در چهارچوب نظم عمومی و مصلحت عامه دارد. استفاده قانون‌گذار از این ترکیب فعل‌ها، نشانگر آن است که منابع طبیعی نه‌تنها به مثابه اموالی طبیعی، بلکه به عنوان پدیده‌هایی زنده و

قابل رشد در نظر گرفته شده‌اند و این رویکرد با فلسفه‌ی اخلاق محیط‌زیست در حقوق تطبیقی همسویی دارد.

■ **۲۹**- عبارت «متعلق به دولت» در متن ماده، صراحتاً مالکیت منابع مذکور را به دولت منسوب می‌دارد، ولی باید در پرتو تفسیر اصل ۴۵ ق.ا.ج.ا.ا، به این نکته توجه کرد که این تملک از نوع «مالکیت عمومی» است، نه «خصوصی دولتی». بنابراین، دولت از حیث فلسفی و حقوقی صرفاً «امین» و «مدیر» این منابع است و نه مالک به معنای مالکیت خصوصی. از همین‌رو، هرگونه اقدام دولت در راستای این ماده باید با رعایت اصل عدم‌تصرف زیان‌بار در اموال عمومی و با لحاظ مصلحت نوعی باشد، نه منافع آنی.

■ **۳۰**- وظیفه‌گذاری بر عهده «سازمان جنگلبانی ایران» در این ماده، نوعی تفویض مأموریت تخصصی محسوب می‌شود که از حیث تحلیل حقوق اداری، واجد جنبه‌ی «اختصاصی» و «انحصاری» است. به این معنا که وظایف مذکور در بند اول ماده، حسب نص صریح، قابل واگذاری به سایر دستگاه‌ها یا نهادها بدون مجوز قانونی نمی‌باشد. این تفویض، مفهوم «صلاحیت انحصاری» سازمان جنگلبانی را در حفظ و بهره‌برداری از منابع طبیعی تبیین می‌نماید. این انحصار را می‌توان ناشی از فلسفه‌ای دانست که بر نقش نهاد تخصصی در صیانت از منافع عمومی تأکید دارد؛ به‌عبارت دیگر، قانون‌گذار می‌خواهد از طریق سازمانی با تخصص لازم، اطمینان حاصل کند که منابع طبیعی، خارج از مناسبات سوداگرانه، به نفع نسل‌های فعلی و آتی اداره شوند.

■ **۳۱**- به‌کارگیری اصطلاح «در حکم منابع مذکور» در انتهای تبصره، بار حقوقی ویژه‌ای دارد. این تعبیر از قواعد فقهی «الحاق حکم فرع به اصل» و «تنزیل» تبعیت می‌کند و نشانگر آن است که قانون‌گذار نخواسته این منابع دست‌کاشت را از حیث تملک، حفاظت، و الزامات بهره‌برداری از منابع طبیعی تفکیک کند. این تعبیر، حکم‌سازی قانونی است که در نتیجه‌ی آن، کلیه حقوق، محدودیت‌ها، تکالیف و مقرراتی که برای منابع طبیعی مذکور در ماده جاری است، عیناً بر منابع مندرج در تبصره نیز بار می‌شود. چنین سیاستی نشان از نگاه وحدت‌گرای قانون‌گذار در برخورد با منابع زیست‌محیطی دارد.

■ **۳۲**- اشاره به طرح‌هایی مانند «جنگلداری»، «مرتع‌داری»، «بیابان‌زدایی» و «طرح‌های مدیریت منابع طبیعی» از حیث ساختار حقوقی، بیانگر به‌رسمیت‌شناسی ظرفیت‌های اجرایی و فنی در راستای اصل ۵۰ ق.ا.ج.ا.ا در حفظ محیط‌زیست است. از منظر فلسفه حقوق عمومی، این امر نشان‌دهنده حرکت از حکمرانی صرف دولتی به سمت حکمرانی مشارکتی با استفاده از ظرفیت‌های مردم و بخش غیردولتی است. چنین رویکردی برخاسته از نظریه «توزیع وظایف عمومی» و «توسعه پایدار» است.

■ **۳۳**- عبارت «مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی» در طرح‌های مذکور، از حیث بار حقوقی، دلالت بر امکان انعقاد قراردادهای مشارکتی یا واگذاری بخشی از وظایف در قالب ترتیبات اداری و حقوقی می‌نماید. این گزاره با منطق حقوق اداری ناظر بر «قراردادهای اداری مشارکتی» هم‌راستا بوده و از دیدگاه فلسفه حکمرانی، بیانگر گذار از تمرکزگرایی مطلق به مشارکت عقلانی در مدیریت منابع عمومی است، مشروط به آنکه چارچوب‌های نظارتی و قانونی رعایت شود و منافع عمومی فدای منافع خصوصی نگردد.

■ **۳۴**- ذکر نهادهایی چون «پارک‌های جنگلی»، «خزانه‌های تولید نهال و بذر»، «نهالستان‌های عمومی» و «ایستگاه‌های تولید بذر و نهال» حاکی از آن است که حتی نهادهایی با کارکرد علمی، آموزشی یا پژوهشی نیز در نظام حقوقی این ماده، تابع مقررات منابع طبیعی تلقی می‌شوند. این امر به روشنی نشان می‌دهد که قانون‌گذار می‌خواهد از طریق مفهوم «وحدت موضوعی» تمامی نهادهای مرتبط با تولید و احیاء منابع طبیعی را در قالب یک نظام منسجم، تابع حقوق عمومی بداند و از پراکندگی رویه‌ها جلوگیری کند. این نگاه، در راستای تقویت نظم حقوقی و تضمین وحدت رویه در اعمال مقررات زیست‌محیطی تحلیل می‌شود.

■ **۳۵**- تبصره الحاقی ۱۳۸۴، با افزودن قلمروی جدید به دامنه شمول ماده، به نوعی گسترش موضوعی مفهوم «منابع طبیعی» را سامان داده است. قانون‌گذار در این تبصره با آوردن واژه‌های «دست‌کاشت»، «طرح‌های احیاء»، «طرح‌های مدیریت منابع طبیعی» و همچنین «مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی» نشان می‌دهد که مفاهیم سنتی جنگل و مرتع، دیگر به منابع صرفاً طبیعی و خودروی محدود نیستند، بلکه منابعی که به واسطه مداخله انسانی و برنامه‌ریزی شده ایجاد شده‌اند، مشمول همان حمایت حقوقی می‌گردند که جنگل‌های طبیعی بهره‌مندند. این توسعه مفهومی، برخاسته از دیدگاهی فلسفی است که میان خاستگاه طبیعی یا انسانی منابع تفاوت ارزشی قائل نیست، مادامی‌که کارکرد اکولوژیک، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها حفظ شود.

ماده ۳ (اصلاحی ۱۳۴۹/۰۴/۰۷)- بهره برداری از منابع مذکور در ماده ۳ توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی در هر مورد طبق طرحی بعمل خواهد آمد که بتصویب وزارت منابع طبیعی رسیده باشد و وزارت منابع طبیعی با رعایت مفاد طرحهای مصوب قرارداد لازم را تنظیم و پروانه بهره‌برداری صادر خواهد نمود. وزارت منابع طبیعی مجاز است نسبت به بهره برداری از منابع مذکور رأساً یا با تأسیس شرکت و یا با مشارکت اشخاص حقیقی و یا حقوقی اقدام کند. همچنین اجازه دارد نسبت به راهسازی برای منابع مذکور و ایجاد صنایع چوب بترتیب فوق عمل نماید.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۴۸/۰۱/۲۰)- استفاده از مراتعی که برای آنها طرح مرتع‌داری تهیه و تصویب نشده است برای تعلیف دام مستلزم اخذ پروانه چرا از وزارت منابع طبیعی و رعایت ضوابط و شرایطی است که وسیله وزارت مزبور آگهی خواهد شد.

تبصره ۲ (منسوخه ۱۳۷۶/۰۱/۱۷)- میزان سرمایه گذاری دولتی در این شرکتها که بصورت بازرگانی اداره خواهد شد نباید از ۵۱ درصد سهام کمتر باشد.

تبصره ۲ (منسوخه ۱۳۹۹/۰۶/۱۹)- طرح نمونه اساسنامه شرکتهای مذکور از طرف وزارت منابع طبیعی تهیه و بتصویب کمیسیونهای منابع طبیعی، استخدام و دارایی مجلسین خواهد رسید.

تبصره ۳ (منسوخه ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)- از تاریخ تصویب این قانون صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن طبقه اول و دوم مصرح در قانون معادن واقع در منابع ملی شده طبق آیین‌نامه ای خواهد بود که بتصویب وزرای اقتصاد- دارایی و منابع طبیعی میرسد.